



تصاویر سیدی

از سده ها و سیکره های شاهنشاهی ایران

از دوره هخامنشی تا میان دوره ساسانی

«بیتلم»

محمد و بهرام

دانشجو فرقی در نشر، استانتاسر،

تصاویر سیدی

از سکه تا و سیکره های شاهنشاهی ایران

از دوره پنجاه و نهم تا پایان دوره ساسانی

در باره چگونگی چهره و خصوصیات ظاهری و جسمانی شاهنشاهان ایران از استادان پیکرنگار و هنرمندان تصاویر و مجسمه ها و نقوش فراوانی بجای مانده است و گروهی از سرایندگان و نویسندگان نیز در این زمینه فراوان داد سخن داده اند بطوری که بخش عظیمی از هنرهای تجسمی ملت ایران اختصاص به این قهرمانان دارد.

صفحات زرین تاریخ شکوهمند ایران نیز از حماسه این قهرمانان بزرگ که اکثراً جنبه جهانی و بین المللی دارند آذین شده است و هنرمندان توانا و چیره دست ایرانی نیز همطراز

بقلم

محمد و هرام

دانشجو فوق دیپلماتیک

تاریخ نویسان آثار بسیار ارزشمند و گرانبهائی بیادگار گذاشته اند. ولی هنر، تنها بیان واقعیت نیست بلکه در تعریف دقیقتر آنرا « بازآفرینی واقعیت » دانسته اند یعنی هر هنرمندی با ساختن ذهنی و فلسفی اندیشه خویش برداشت خاصی از واقعیتها دارد که این تفکر را با واقعیت آمیخته و در اثر هنری خود متمرکز میسازد بهمین دلیل می بینیم که هنرمندان مختلف يك واقعیت را به اشکال گوناگون بازگو میکنند. هنرمندان اصیل بازگوکننده شرایط زمانی و مکانی و تفکرات اجتماعی خویش میباشند. آثار هنری يك قوم در يك دوره مشخص تاریخی در عین حال که متفاوت است از جهات مختلف بایکدیگر شباهتهای فراوان دارد که یکی از جالبترین منابع بررسی و پژوهشهای تاریخی دوره خود بشمار می آید.

این اصل کلی در مورد کلیه تصاویر و مجسمهها و نقوش که از شاهنشاهان ایران باقی مانده است نیز صدق میکند بدین معنی که این آثار با همه جلال و شکوه و زیبایی و هنرمندی فوق تصور خود کاملاً شبیه به اصل نیست. بلکه در بعضی از این نقوش قضاوت جامعه در مورد آن پادشاه نموده شده و در نتیجه تصویر او را از چهره واقعیت دور میسازد مثلاً از آنجا که کوروش پادشاهی قدرتمند و عدالت گستر و مهربان و عظیم الشان بوده در نظر مردم خود از نوعی الوهیت و تقدس برخوردار بوده است و او را چون نیمه خدائی می پرستیده اند. این نظر و علاقه همگانی در ذهن هنرمندی که تصویر برجسته وی را بر دیوار پاسارگاد حجاری می کرده، تجلی یافته است و بهمین دلیل می بینیم که با

چهره‌ای بسیار زیبا و شکوهی بی‌مانند در حالی که دو بال بردوش دارد نقش برجسته او را بر سینه سنگ جاویدان ساخته و چون خدائی توانا و مهربان مجسم شده است. و یا خشایارشا شاهنشاه نیرومند و پرشکوه ایران که شاهی دلیر و بلند پرواز بود، در نقش مهر خویش بصورت مردی بلند بالا، بسیار نیرومند و ورزیده که کمائی بدست دارد، بردوش شیری عظیم نموده شده است.

باتوجه بدین دو نمونه چنین نتیجه گیری میشود که قراردادن بال برای کوروش و تصویر غیر عادی خشایارشا تجسم دقیق چهره واقعی بعضی از شاهنشاهان ایران را از خلال اینگونه آثار که نتیجه آمیزش فکر هنرمندان احساسات جامعه است دشوار میکند.

تنها تصاویری که جنبه واقعی داشته و ارزش فراوان دارند،^۱ نقوش روی سکه‌ها است که در آنها از تخیل هنرمندان کمتر اثر بوده و بیشتر به شباهت با اصل توجه شده است و برای شناختن چهره واقعی شاهنشاهان ایران از مدارك گرانبها و پرارزش به حساب می‌آید.

از آنجا که وجود يك آلبوم کامل و دقیق از تصاویر شاهنشاهان ایران از نظر تاریخی ارزشی فراوان دارد در اینجا کوشش شده است که حتی الامکان چهره واقعی شاهان ایران باتوجه به کلیه مدارك موجود ارائه گردد. بهمین جهت در این شماره تصاویر واقعی شاهنشاهان قبل از اسلام ایران را تا آنجا که میسر بوده است با کمک سکه‌ها و مجسمه‌ها و نقوش باقی مانده منتشر می‌سازد بامید آنکه

در فرصتهای مناسب آتی با کمک و همکاری محققین ارجمند و استادان فن این مجموعه کامل گردد.

کلیاتی درباره آلبوم تصاویر شاهنشاهان هخامنشی

چنانکه در کلیه تاریخها نوشته شده است هخامنشیان در ابتداء عملاً شهریاران انشان و پارس بوده اند که با رعایت استقلال داخلی تقریباً در زیر سلطه پادشاهان عیلام و ماد فرمانروائی میکردند^۲. در لوحه کوروش بزرگ که از حفریات بابل بدست آمده است و معروف به استوانه کوروش میباشد^۳ (همان لوحه معروفی که نخستین اعلامیه حقوق بشر نام گرفته است) و نیز در کتیبههای داریوش بزرگ و بعضی دیگر از شاهان هخامنشی نام هفت تن^۴ از این پادشاهان محلی پارس تا هخامنش بزرگ نیای این خاندان برده شده است و نیز پس از آنها کوروش فرمانروائی قسمت اعظم دنیای آن روزگار را بدست گرفت. وی نخستین شاهنشاه ایران است و پس از وی یازده تن دیگر از این خاندان بسطنت رسیدند که با خود کوروش جمعاً دوازده تن^۵ از خانواده هخامنشی مقام شاهنشاهی داشته و بر سرزمین پهناور ایران آن روزگار و سایر ملحقات آن حکم میراندند.

۲- ن - ک به ایران در عهد باستان در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام تألیف

محمد جواد مشکور چاپ دوم ص ۱۶۵

۳- برای آگاهی بیشتر به متن کامل لوحه کوروش به کوروش نامه تألیف عباس خلیلی

ص ۱۷۰ مراجعه شود

۴- ر - ک به ایران باستان مشیرالدوله (پیرنیا) کتاب دوم ص ۴۲۶

۵- ر - ک به ایران در عهد باستان تألیف دکتر محمد جواد مشکور صفحات ۱۶۶-۲۵۷

در مورد چهره و خصوصیات جسمانی اکثر پادشاهان هخامنشی متأسفانه مدارك و اسناد دقیقی اعم از سکه یا مجسمه و غیره در دست نیست و برای دست یافتن به خصوصیات ظاهری آنها باید بیشتر به نوشته‌های مورخین و حجاریهای معدود باقیمانده استناد جست. کوشش میشود که از خلال این آثار حتی المقدور چهره حقیقی آنان را کشف کنیم.

کوروش :

باهمه عظمت و جلال و شکوه و شهرت کوروش بزرگ متأسفانه از آنجا که در زمان این شاهنشاه ضرب سکه معمول نبود نقش صحیحی از چهره او باقی نمانده است ولی این کمبود را نویسندگان و مورخین قدیم تا حدی جبران کرده‌اند. گزننفون در کوروش نامه خویش می‌نویسد :

کوروش از حیث زیبایی و صباحت منظر و جمال و تناسب اندام بی نظیر بوده، قدی بلند، اندامی زیبا و چشمانی بسیار گیرا داشته و توصیف را بجائی رسانیده که یکی از علل پیروزی و نفوذ او را بر اطرافیان همین زیبایی چهره و اندام وی ذکر کرده است.^۶

گذشته از این، نقش برجسته ای که از کوروش در درگاه شرقی کاخ اختصاصی پاسارگاد نقر شده است با وجود آنکه قسمت بالائنه و صورت آن از میان

۶ - ر - ک به ایران باستان مشیرالدوله (پیرنیا) جلد دوم از سری کتابهای جیبی ص ۲۵۰-۲۵۵ و کوروش نامه نوشته گزننفون ترجمه مهندس رضا مشایخی ص ۴-۱۱

رفته است باز هم همان مقدار باقی مانده بخوبی نمایشگر قدرت بدنی و بلندی بالا و تناسب اندام کوروش است و نیز در پاسارگاد نقش فرشته بالداري همراه با کتیبه‌ای از کوروش حک شده است که بسیاری از مورخین آنرا نقش کوروش دانسته‌اند.

اگر چنین باشد چنانکه در آغاز اشاره شد این تصویر در درجه اول نشان دهنده مقام و عظمت کوروش در نظر ملت خویش است زیرا او را تقریباً در مقام و مرتبه خدائی دانسته‌اند و گذشته از آن با استناد به این تصویر کوروش را میتوان مردی بلند بالا با چشمانی کشیده و نافذ و ابروانی پر پشت و چهره‌ای نسبتاً کشیده و متناسب و بینی بسیار خوش تراش و چانه مربع که نشان قدرت بدنی است و دهان کوچک و خوش ترکیب دانست موهای کوروش پر پشت و صاف بوده که تاروی گردن میرسیده و صورت کوروش را ریشی انبوه و نسبتاً کوتاه پوشانده و دست تصویر که آرنج آن برهنه است نمایشگر ورزیدگی و نیروی فراوان بدنی صاحب تصویر است و کوروش در این تصویر کمربند باریک و سینه‌ای فراخ دارد و دو بال بزرگ که بر دوش تصویر قرار دارد نشانه مقام الوهیت و نیمه خدائی صاحب تصویر است.

در مورد لباس و تزئینات کوروش مدارك بیشتری در دست است آریستو - بولس^۷ مورخ یونانی که در سال ۲۸۵ پیش از میلاد همراه اسکندر بایران آمده است آرامگاه کوروش را چنین وصف میکند:

« جنازه کوروش را در تابوتی از زر گذاشتند که بر تختی نهاده شده بود و پایه‌هایش از زر بود و میزی بود که بر آن شمشیرهای کوتاه پارسی، گردن بندها و گوشواره‌هایی از سنگهای گرانبها از زرنشاندۀ نهاده بودند. سندسی و کتان دوخت بابل تنبازه‌های مادی، جامه‌های آبی یا ارغوانی و رنگهای دیگر، لباسی بابافت های گل و بوته‌دار بابلی همه را روپهم چیده بودند. ^۸ و نیز گزنفون در فصلهای مختلف کتاب کوروش نامه خویش مطالب فراوانی راجع به قیافه و لباس و تزئینات کوروش نوشته است از مجموع نوشته‌ها چنین برمیآید که کوروش دارای خوی ساده پارسی بوده و اصولاً به تجمل چندان علاقه‌ای نداشته و اکثراً بالباس و قیافه‌ای کاملاً ساده و بدون هیچ نوع تزئین و آرایشی بمیان ملت خویش میآمده است ولی با وجود ساده-پرستی از ارزش جلال و شکوه نیز غافل نبوده و میدانسته است که برای تسلط بر دیگران می‌بایستی گه‌گاه هیئتی بسیار باشکوه و مجلل داشته باشد. ^۹ بهمین دلیل تقریباً در کلیه آثار عهد هخامنشی علائم شکوه و جلال فوق‌العاده بچشم میخورد.

لباس اغلب شخصیت‌های بزرگ دربار شاهنشاهی، مشاوران و سرداران بزرگ زر دوزی و جواهر نشان بوده است. ^{۱۰} باین ترتیب که

۸- ر - ک به تاریخ شاهنشاهی هخامنشی نوشته اوستد ترجمه دکتر محمدمقدم ص ۹۱

۹- ر - ک به کوروش نامه نوشته گزنفون ترجمه مهندس رضا مشایخی ص ۲۹۴ و ایران باستان مشیرالدوله پیرنیا کتاب دوم ص ۴۲۴-۴۳۰

۱۰- ن - ک به تاریخ شاهنشاهی هخامنشی نوشته اوستد ترجمه دکتر محمدمقدم ص ۱۱

« ورقه‌هایی از زر که نقوش زیبایی بطور برجسته روی آن کنده بودند روی لباس می‌دوختند، بازوبند، گردن بند، انگشتری، گوشواره، دستبند و مهره‌های جواهر نشان همه‌جا در نقوش جلب توجه مینمایند و حتی دهنه و لگام وزینت اسبها نیز از طلا بوده است » ۱۱

بدیهی است کوروش شاهنشاه عظیم‌الشان که در رأس چنین تشکیلات پرشکوهی قرار داشت در مواقع لزوم خود از همه برتر و بالاتر و پر جلال تر ظاهر میشد چنانکه در نقش پاسارگاد کفش کوروش زر کوب بوده و از جلوی دهانهٔ کفش بطرف پا نوار باریکی از طلا نهاده بودند که جای میخ کوبی آن هنوز هم در نقش مزبور باقیست.

از کمبوجیه اثری در دست نیست که نشانه‌ای از چهره و اندام وی را ارائه دهد اما برعکس از داریوش کبیر آثار بسیاری بجا مانده است. از خلال نوشته‌های مورخین و کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید استنباط میگردد که داریوش قیافه پر صلابت و گونه‌ای کشیده و موهای مجعد پر پشت و ریشی انبوه تا روی سینه داشته است و اگر نقش برجسته تمام قداود در بیستون باندازهٔ طبیعی حجاری شده باشد بلندی قد وی یک متر و هفتاد سانتیمتر بوده است. با استفاده از تصویر یک سکه و یک حجاری بر دیوار کاخ آپادانا قیافه واقعی وی نمودار است.

از خشایارشا نیز تصاویر فراوان بر روی سکه‌ها و همچنین نقش مهر روی و سر مجسمه بسیار زیبا منسوب به دوران جوانی او که از سنگ لاجورد تراشیده شده موجود است و گذشته از آن در اکثر تصاویری که از داریوش باقی است نقش خشایارشا نیز بعنوان ولیعهد در پشت سرداریوش مشاهده می‌گردد. از تناسب اجزاء سر مجسمه ای که نشانه ای از دوران جوانی وی می‌باشد میتوان حدس زد که صاحب چشمانی درشت و ابروانی کمانی و چهره بسیار زیبا بوده است .

از بقیه پادشاهان هخامنشی نیز تصاویر مستندی بر روی سکه‌ها و یادر کنار سنگ نبشته‌ها نموده شده است که به ترتیب قدمت، ذیل همین مقاله ارائه می‌گردد (باستثنای که بوجیه، خشایارشای دوم، سغدیان و اریس) که متأسفانه کوچکترین نشانه‌ای از تصویر آنان در دست نیست و هیچ‌یک از مورخین نیز اشاره بچگونگی چهره و ظاهر آنها ننموده‌اند تنها بحدس نزدیک به یقین از آنجا که آنان نیز شاهان هخامنشی بوده و از گذشتگان تقلید می‌کرده‌اند تقریباً بطور مسلم میتوان گفت که لباس پارسی به‌روش کوروش و داریوش و پیشینیان خود می‌پوشیده‌اند و خوبستن را همان گونه آذین می‌بستند .

لباس و تزئینات شاهنشاهان هخامنشی :

در باره لباس و تزئینات ایران باستان خوشبختانه مدارک بسیار زیادی در دست است . زیرا علاوه بر وسایل و لوازم تزئینی که در نتیجه کاوشهای

« ورقه‌هایی از زر که نقوش زیبایی بطور برجسته روی آن کنده بودند روی لباس می‌دوختند ، بازوبند ، گردن بند ، انگشتری ، گوشواره ، دستبند و مهره‌های جواهر نشان همه جا در نقوش جلب توجه مینماید و حتی دهنه و لگام وزینت اسبها نیز از طلا بوده است » ۱۱

بدیهی است کوروش شاهنشاه عظیم‌الشان که در رأس چنین تشکیلات پرشکوهی قرار داشت در مواقع لزوم خود از همه برتر و بالاتر و پر جلال تر ظاهر میشد چنانکه در نقش پاسار گاد کفش کوروش زر کوب بوده و از جلوی دهانه کفش بطرف پا نوار باریکی از طلا نهاده بودند که جای میخ کوبسی آن هنوز هم در نقش مزبور باقیست .

از کمبوجیه اثری در دست نیست که نشانه‌ای از چهره و اندام وی را ارائه دهد اما برعکس از داریوش کبیر آثار بسیاری بجا مانده است . از خلال نوشته‌های مورخین و کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید استنباط میگردد که داریوش قیافه پر صلابت و گونه‌ای کشیده و موهای مجعد پر پشت و ریشی انبوه تا روی سینه داشته‌است و اگر نقش برجسته تمام قداودر بیستون باندازه طبیعی حجاری شده باشد بلندی قد وی یک‌متر و هفتاد سانتیمتر بوده‌است . با استفاده از تصویر یک‌سکه و یک حجاری بر دیوار کاخ آپادانا قیافه واقعی وی نمودار است .

از خشایارشا نیز تصاویر فراوان بر روی سکه‌ها و همچنین نقش مهروی و سر مجسمه بسیار زیبا منسوب به دوران جوانی او که از سنگ لاجورد تراشیده شده موجود است و گذشته از آن در اکثر تصاویری که از داریوش باقی است نقش خشایارشا نیز بعنوان ولیعهد در پشت سرداریوش مشاهده می‌گردد. از تناسب اجزاء سر مجسمه ای که نشانه ای از دوران جوانی وی می‌باشد میتوان حدس زد که صاحب چشمانی درشت و ابروانی کمانی و چهره بسیار زیبا بوده است.

از بقیه پادشاهان هخامنشی نیز تصاویر مستندی بر روی سکه‌ها و یادر کنار سنگ نبشته‌ها نموده شده است که به ترتیب قدمت، ذیل همین مقاله ارائه می‌گردد (باستثنای کمبوجیه، خشایارشای دوم، سغدیان و اریس) که متأسفانه کوچکترین نشانه‌ای از تصویر آنان در دست نیست و هیچ‌یک از مورخین نیز اشاره بچگونگی چهره و ظاهر آنها ننموده‌اند تنها به حدس نزدیک به یقین از آنجا که آنان نیز شاهان هخامنشی بوده و از گذشتگان تقلید می‌کرده‌اند تقریباً بطور مسلم میتوان گفت که لباس پارسی به روش کوروش و داریوش و پیشینیان خود می‌پوشیده‌اند و خویشتن را همان گونه آذین می‌بستند.

لباس و تزئینات شاهنشاهان هخامنشی :

در باره لباس و تزئینات ایران باستان خوشبختانه مدارک بسیار زیادی در دست است. زیرا علاوه بر وسایل و لوازم تزئینی که در نتیجه کاوشهای

علمی باستانشناسان از گوشه و کنار ایران و دیگر سرزمینهای تابعه ایران باستان بدست آمده که زینت بخش مجموعههای شخصی و مرزدهای معروف جهان میباشند نقوش برجسته تخت جمشید و بیستون و سکههای موجود همگی دلایل گویا و مستندی در مورد لباس و طرز استعمال انواع زینت آلات نیاکان ما بشمار میآیند. خانم ملکزاده بیانی و آقای دکتر محمد اسماعیل رضوانی در این زمینه تحقیقات بسیار جامعی بعمل آورده اند و می نویسند :

« در این دوره نه تنها از خود داریوش و پسرش خشایارشا تصاویر متعدد وجود دارد بلکه از قیافه و آرایش چهره و نوع لباس تمام مردمی که در قلمرو حکومت داریوش میزیسته اند نمونههایی موجود است. درست است که این حجاریها فقط دوره داریوش را نشان میدهند اما میتوان حدس زد که قبل از داریوش و بخصوص بعد از او نیز مردم گوناگونی که طوق اطاعت شاهنشاهان هخامنشی را بگردن داشته اند تغییری در وضع لباس و آرایش چهره نداده اند. مسلم است که در آن روزگار لباس و کلاه و ریش و سبیل و موی سردستخوش تغییرات زود گذر نبوده است. [زیرا] هنوز هم در میان ایلات کوه نشین و دور از شهر نوع لباس و آرایش عهد هخامنشیان را بخوبی می توانیم به بینیم. بنابراین اگر این دوره بخوبی بررسی شود دورنمای مردم ایران را در دوران هخامنشیان حتی مردم بعد از هخامنشیان را بخوبی میتوانیم تجسم کنیم. انواع و اقسام آثار بدست آمده از قبیل گردن بندهای طلا، دست بندها، مهره های

کوچک، گلبرگها و جواهرات گوناگون همگی حاکی از علاقمندی مردم به تزئینات و تجملات و استعمال روزافزون آنها در آن روزگار بوده است.

کلیاتی در باره آلبوم تصاویر پادشاهان اشکانی:

دوره اشکانیان یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی ایرانیان است و از نظر وقوف به جزئیات امر منجمله قیافه و چهره شاهان این سلسله نسبت به شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی نمونه‌ها و آثار بسیار کم و معدودی در دست است.^{۱۲}

باتوجه با آثار باقیمانده و تحقیقات محققین پادشاهان اشکانی جمعاً ۲۹ تن بوده‌اند که در حدود ۴۷۰ سال در ایران سلطنت کرده‌اند و همگی آنها بافتخار آرشاک یا ارشک لقب «اشک» را در آغاز نام خویش آورده‌اند و نامشان به ترتیب تاریخ از اشک یکم تا اشک بیست و نهم ثبت شده است.^{۱۳}

باتوجه به آنچه که از این دوره باقیمانده است چنین معلوم میشود که پارتیان اصولاً مردمی جنگجو، بیابان‌گرد، سلحشور و بسیار بی‌پیرایه بوده‌اند و سادگی را بحد کمال دوست میداشتند و حتی شاهان آنها از نظر لباس و تزئینات گاهی با مردم عادی اشتباه می‌شده‌اند.^{۱۴} شاید بهمین دلیل باشد که

۱۲- ر - ک به سیمای شاهان و نام‌آوران ایران باستان از انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران تألیف بانوملک‌زاده بیانی و دکتر محمد اسماعیل رضوانی ۱۳۴۹

۱۳- ر - ک به اشکانیان اثر م. م. دیا کونوف ترجمه کریم کشاورز ذیل فرهنگ و تمدن پادشاهان اشکانی و - ن - ک - به ایران عهد باستان تألیف دکتر محمد جواد مشکور ص ۳۳۳

۱۴ - همان کتاب ص ۳۳۲ و ایران باستان مشیرالدوله کتاب نهم ص ۲۶۹۸

از این دوره کاخ‌های باشکوه بااستثنای تیسفون و یاجواهرات وزینت آلات خیره کننده چندانى باقى نمانده است . البته تعداد معدودی از این پادشاهان بخصوص در اواخر دوره اشکانی آرام آرام از خوی دیرین دست برداشته و بشکوه و جلال تمایل ورزیدند .

با همه این احوال تقریباً از تمامی این پادشاهان (بجز فری یاپت) سکه‌هایی باقی مانده است که ویژگیهای چهره و پوشش و تزئینات آنان را بخوبی مشخص میسازد .

بعضی از پادشاهان اشکانی به پیروی از شاهنشاهان هخامنشی به شکوه و عظمت دربار خود علاقمند بودند و به تقلید از آنها در ایام بارعام و مراسم رسمی لباس و تاج خود را بانواع جواهرات مزین می ساختند .

با در نظر گرفتن مطالب و مدارك و شواهد موجود از آنجا که اشکانیان به شکار و جنگ و سلاحشوری علاقه داشتند و اکثر نقوشی که از آنان باقی مانده است این شاهان را سوار بر اسب و در جنگ و گریز و یا در حال شکار نشان میدهد^{۱۵}، از این رو قاعدتاً شاهان این سلسله اکثر ابایستی دارای اندامهای ورزیده و هیبا کل متناسب بوده باشند و از آنجا که طرفدار سادگی بوده‌اند بنظر میرسد که از اعتدال مزاج و سلامت کافی برخوردار بوده‌اند و نیز بهمین دلیل غالباً لباسهای ساده و کوتاه و بدون پیرایه می پوشیده‌اند.^{۱۶}

کلیاتی درباره آلبوم تصاویر شاهنشاهان ساسانی :

از سلسله ساسانی برخلاف شاهان اشکانی آنقدر مدارك و اسناد و آثار

۱۵ - ر.ك به اشکانیان نوشته دیا کونوف (دیا کونوف) ذیل فرهنگ ایران در عهد باستان.

۱۶ - ر.ك به ایران از آغاز تا اسلام تألیف گیرشمن ترجمه مرحوم دکتر محمد معین ص ۲۳۷

موجود است که بررسی همه آنها از حجم این مطالب و حوصله این مقال خارج است. مثلاً گیرشمن مینویسد:

« از شاهان ساسانی بیش از همه اسلاف آنان نقوش برجسته روی سنگ باقی است متجاوز از ۳۰ نقش برجسته صخره‌های فلات ایران را که بخش اعظم آنها در فارس یعنی ناحیه اصلی سلسله مزبور است مزین ساخته است.»^{۱۷}

اصولاً ساسانیان بجلال و شکوه دربار و عظمت شاهنشاه بسیار اهمیت میدادند. دوره شاهنشاهی آنان را از جهات بسیار و همچنین پیشرفت هنر باید عصر شکوفائی، تجمل و زیباپرستی دانست^{۱۸} و تقریباً کلیه نقوش و سکه‌های باقیمانده بخوبی نمایشگر این جلال و عظمت میباشند و تصاویر آنها در جای خود از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

باتوجه به کلیه مدارک و شواهد موجود شاهنشاهان ساسانی ۳۶ تن بوده‌اند که به ترتیب زیر بسلطنت رسیده‌اند.^{۱۹}

از کلیه این شاهنشاهان نیز (به استثنای آذر نرسی، هرمز سوم، جوانشیر، گشنسب بنده، آذر میدخت، خسرو چهارم و فیروز دوم) سکه‌ها و مجسمه‌ها و حجاریهای نسبتاً فراوانی در دست است که چهره کلیه نامداران این سلسله

۱۷ - ایران از آغاز تا اسلام تألیف گیرشمن - ترجمه مرحوم دکتر محمد معین

۱۸ - ر - ک به ایران باستان کتاب نهم ص ۲۶۹۹-۲۶۷۲

۱۹ - ر - ک به ایران در عهد باستان تألیف محمد جواد مشکور چاپ دوم ص ۳۷۹-۴۸۷ و گاهنامه تطبیقی نوشته سرکار سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی - مجله مهنامه ارتش

را دقیقاً مشخص میکند و از ورای آنها میتوان به ویژگیهای البسه و تزئینات و آرایش شاهان و بزرگان آن روزگار پی برد.

از مجموع سکه‌ها و نقوش برجسته شاهنشاهان ساسانی پیداست که تنوع بیشتری در دوخت و تهیه لباس آنها بعمل میآمده. لباس این دوره عموماً دارای آستین‌های بلند چین دار و شلووار پرچین بوده که تامچ پا میآمده و بوسیله بندهایی آنرا به کفش می‌بستند. لباس پادشاهان از پارچه‌های بسیار ظریف ابریشمی بر رنگهای آبی و ارغوانی دوخته میشد. یکی دیگر از ابتکارات ویژه این دوره، استعمال کمربندهای مخصوص است که بانوارهای تزئینی مزین بوده اند و نیز جای شمشیری در روی آنها تعبیه میشد نمونه‌ای از آن در روی لباس شاپور اول بخوبی بچشم میخورد و شاهان بعد از او به پیروی از وی مورد استفاده قرار داده‌اند. ۲۰

از اسناد و مدارک این دوره استنباط میگردد که استعمال جواهرات نفیس و نصب نشانهای تزئینی بر روی لباس و تاج شاهی با طرحهای گونه‌گون و متنوع بحد کمال متداول بوده است.

در این مقاله کوشش شده است برای تکمیل آلبوم شاهنشاهان ایران تا آنجا که مقدور بوده از اسناد و مدارک مستند عکس برداری گردد و چوز بخش آرشیوسکه اداره موزه ایران باستان از نظر بررسی و تحقیق بهترین مرجع میتواند باشد. لهذا اکثر تصاویر آلبوم شاهنشاهان ایران با کمک و همکاری آقای دکتر نعیمی ریاست محترم اداره باستانشناسی تهیه و در دسترس نگارنده قرار داده‌اند. شایسته است که از مساعی و مساعدت آن اداره در تکمیل این آلبوم سپاسگزاری فراوان بعمل آید.

۲۰ - د - ک به کتاب سیمای شاهنشاهان و نام آوران ایران تألیف ملکزاده بیانی
دکتر محمد اسماعیل رضوانی ص ۴۳

شجره پادشاهان هخامنشی

هخامنشیان

هخامنش



چیش پش اول

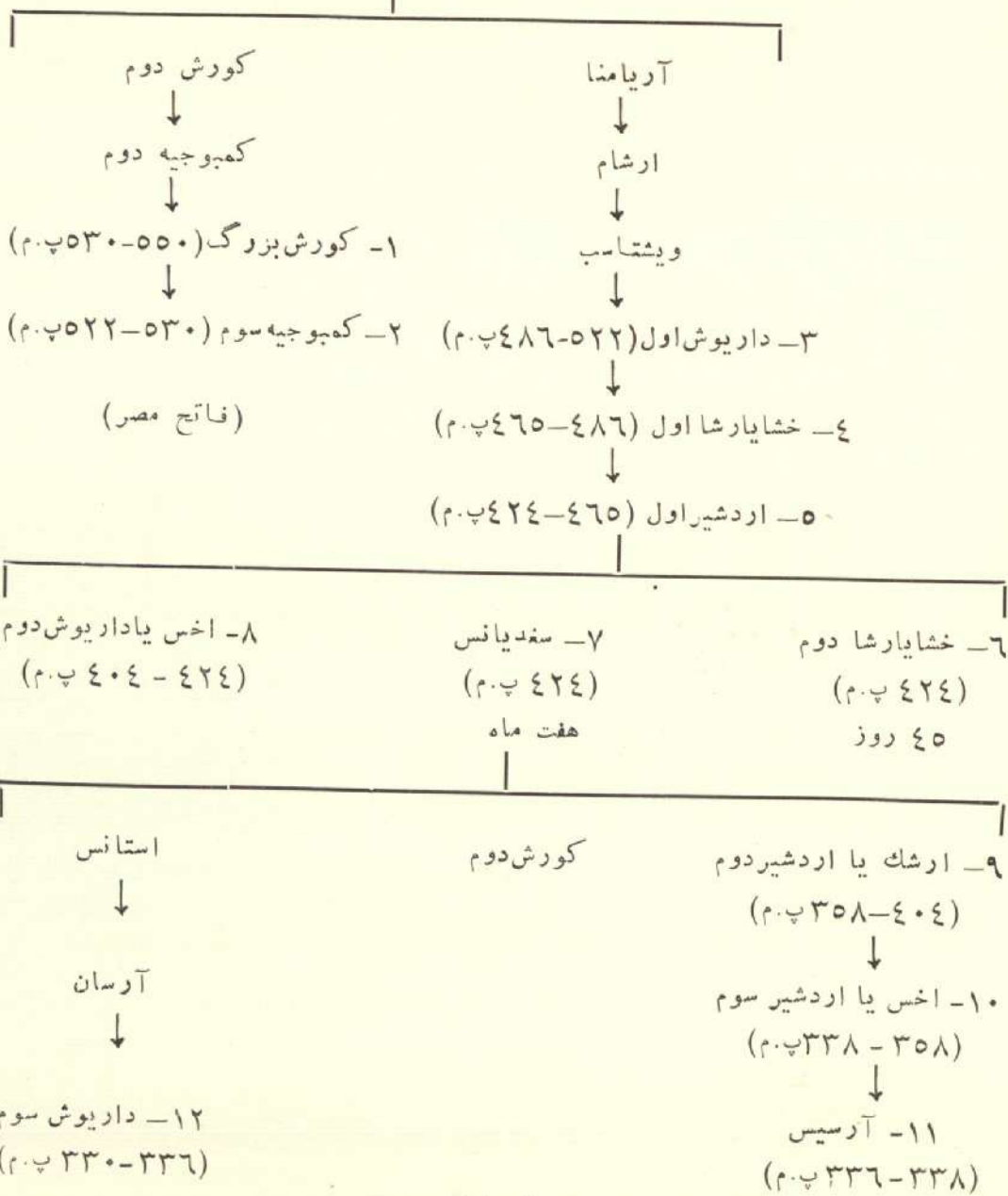


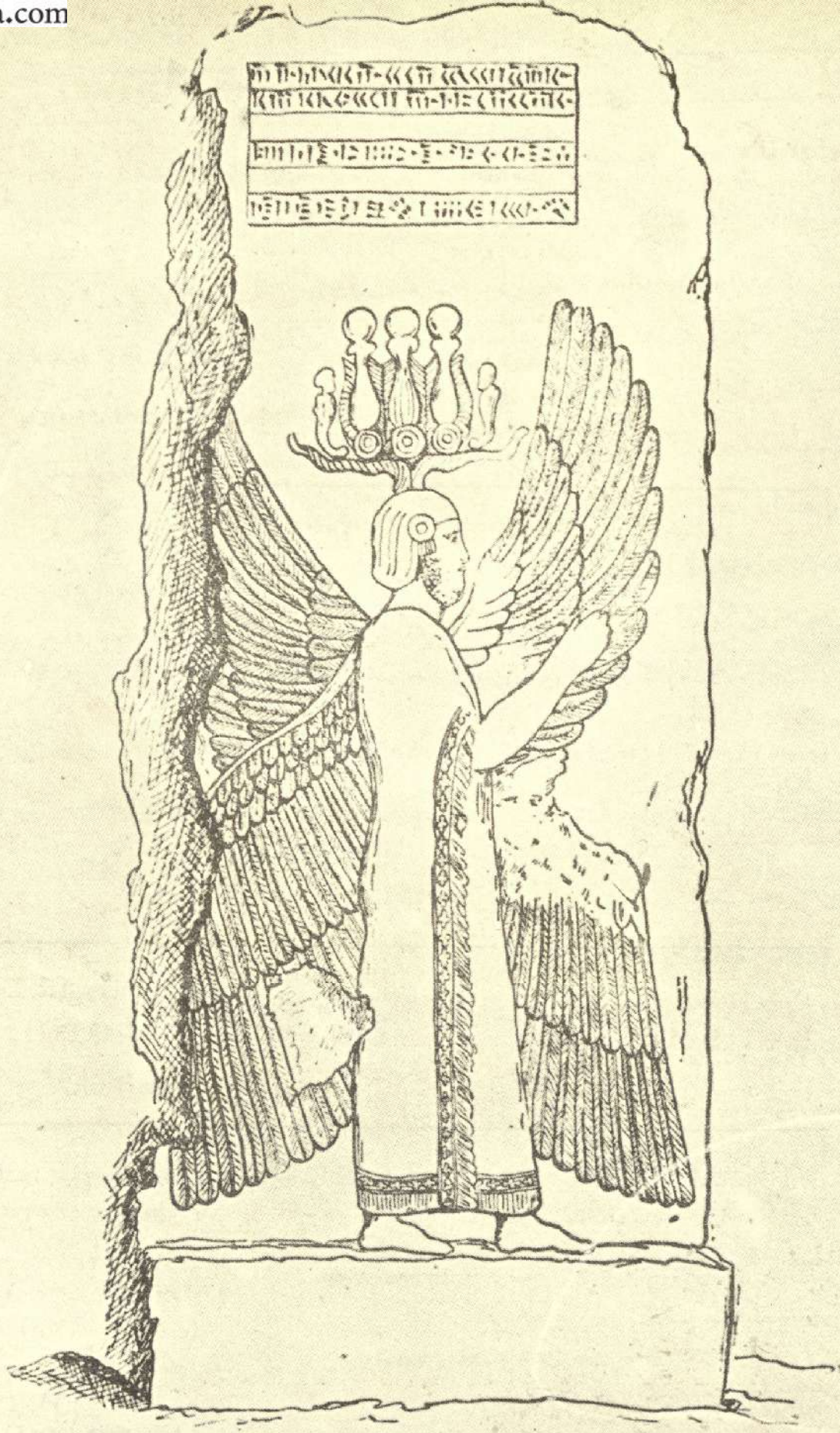
کمبوجیه اول

کورش اول



چیش پش دوم





مجسمه بالدار طالار کورش در پاسارگاد



نقش برجسته داریوش اول (بزرگ) در بیستون



سرمجسمه خشایارشا (تصویر از کتاب سیمای شاهان و نام‌آوران ایران باستان
تألیف بانو ملکزاده بیانی و دکتر محمد اسمعیل رضوانی)



مهر استوانه‌ای خشایارشا (تصویر از کتاب سیمای شاهان)



اردشیر اول

سکه نقره

وزن ۵ گرم

شماره فیش ۱۴

تاریخ کشف ۱۳۱۷

موزه ایران باستان



داریوش دوم

سکه نقره

وزن ۵۰ گرم

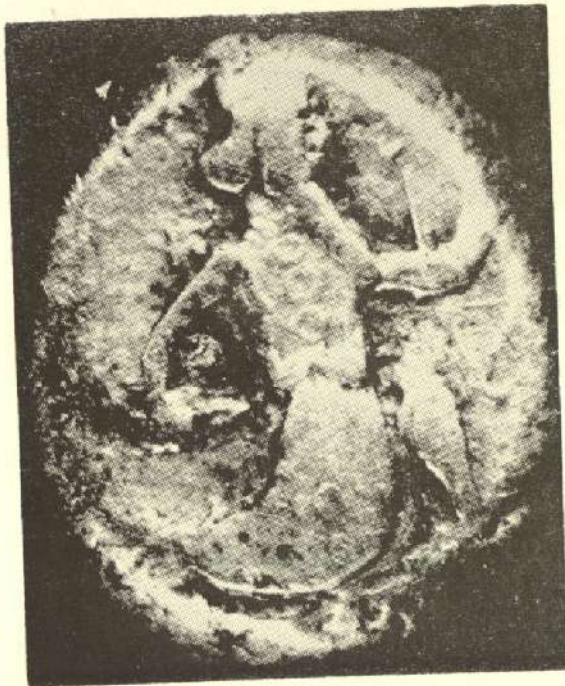
شماره فیش ۲۵۰

تاریخ کشف ۱۳۱۷ از ۱۳۲۸

موزه ایران باستان



اردشیر دوم - سکه نقره به وزن ۲٫۵ گرم شماره فیش ۲۴۸ تاریخ کشف ۱۳۲۸/۱۱/۱۷ موزه ایران باستان

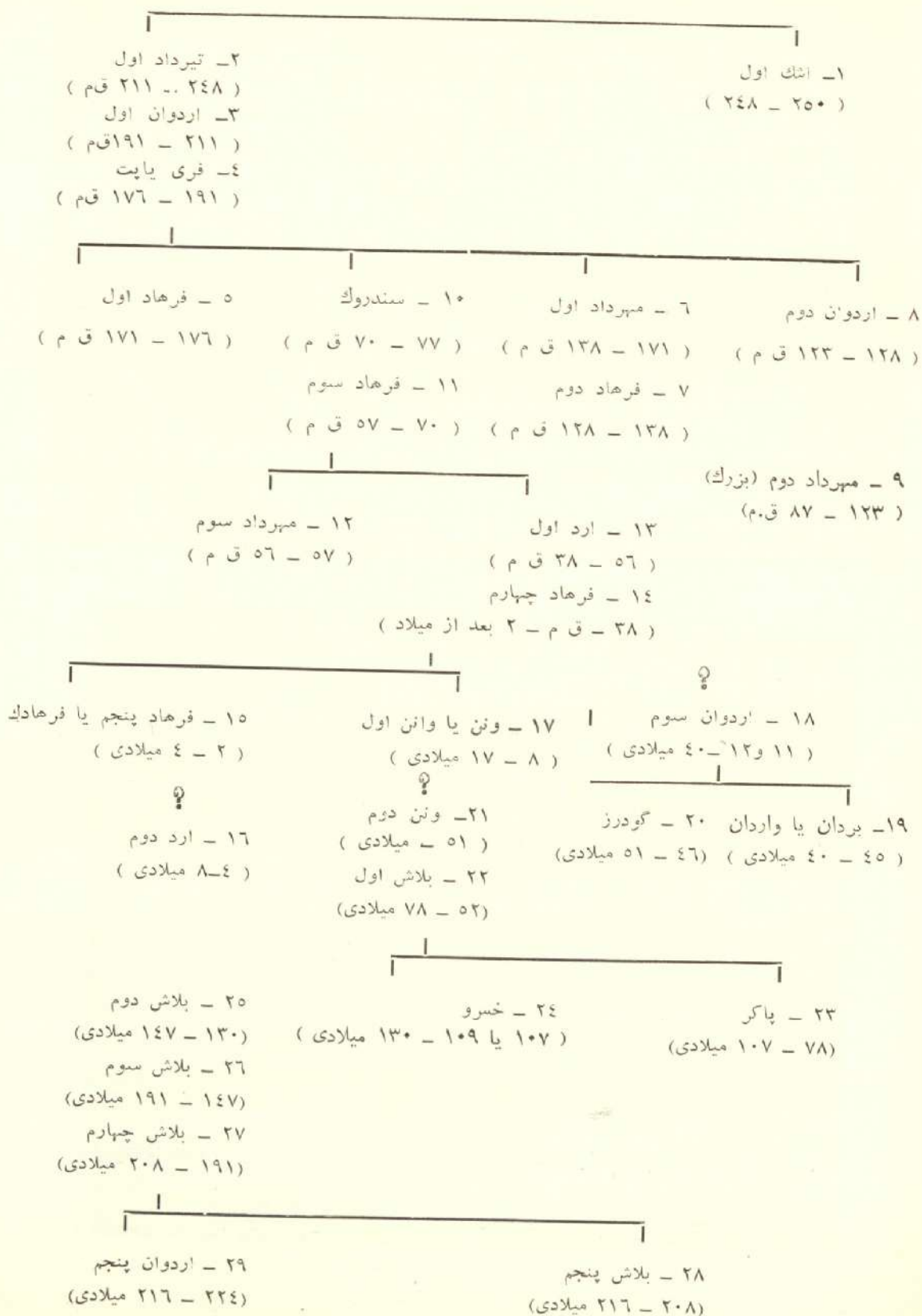


داریوش سوم (تصویر از آقای یاسی)



اردشیر سوم - (تصویر از آقای یاسی رئیس بخش سکه موزه ایران باستان)

شجره پادشاهان اشکانی (از ۲۵۰ ق م تا ۲۲۴ میلادی)





ارشك (اشك اول) تصوير از كتاب *Geschichte des Alten Persiens* برلين ۱۸۷۹
تأليف فردينانديوستي Dr. Ferdinand Justi
كتاب مذکور را آقای دکتر پرویز رجیبی از راه بسیار دوری باسعه صدر خاص خود
در اختیار نگارنده قرار داده اند.



تیرداد اول - تصوير از کتاب سیمای شاهان و نام‌آوران ایران تألیف
بانو ملکزاده بیانی و دکتر اسمعیل رضوانی



اردوان اول - سکه نقره وزن ۷٫۱ گرم شماره فیش ۹۹ - موزه ایران باستان



فرهاد اول - سکه نقره بوزن ۳٫۸ گرم شماره فیش ۵۱۳ تاریخ کشف ۱۱۳۱ ر ۱۳۳۸
موزه ایران باستان



مهرداد اول

سکه نقره

وزن سکه ۲٫۵ گرم

شماره فیش ۱۰۱ -

موزه ایران باستان



فرهاد دوم
سکه نقره

وزن سکه ۳٫۴ گرم

شماره فیش ۳۰۱

تاریخ کشف ۱۳۲۹ر۱۱۲۸

موزه ایران باستان



مهرداد دوم (بزرگت) سکه نقره شماره فیش ۹۱
تاریخ کشف ۱۳۱۹، ۱۳۱۸، ۱۳۱۸ موزه ایران باستان



اردوان دوم سکه نقره به وزن ۱۵٫۶۰ شماره فیش ۳۱۶ تاریخ کشف
۱۳۱۳، ۱۳۳۴ موزه ایران باستان



سندروك - سكه نقره - شماره فيش ۹۰ محل كشف شوش - موزه ايران باستان



فرهاد سوم - سكه نقره - شماره فيش ۹۳ تاريخ كشف ۱۳۲۲ز ۸ر۳ موزه ايران باستان



مهرداد سوم

سکه نقره

وزن ۴٫۲ گرم

شماره فیش ۲۷۱

تاریخ کشف ۱۳۳۴٫۴٫۱۳

موزه ایران باستان



ارد اول

سکه نقره

وزن ۱۴٫۷ گرم

شماره فیش ۳۵۱

تاریخ کشف ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۹

موزه ایوان باستان



فرهاد چهارم - سکه نقره - شماره فیش ۸۵ تاریخ کشف ۳۰ ر ۲۳۶ ۱۳۳۶ محل
کشف شوش - موزه ایران باستان



فرهاد پنجم - سکه نقره به وزن ۴ گرم شماره فیش ۲۹۳ تاریخ کشف ۱۱ ر ۷ ۱۳۴۳
موزه ایران باستان



ارد دوم - (تصویر از کتاب پرسپولیس) تألیف پروفیسور اشمیت
Persepolis (I) . Structures. Raliefs Inscriptions. Erich F. Schmidt



ونن اول - سکه نقره به وزن ۳۵ گرم شماره فیش ۵۶۷ تاریخ کشف ۲۰ ر ۱۰ ار ۱۳۲۳
موزه ایران باستان



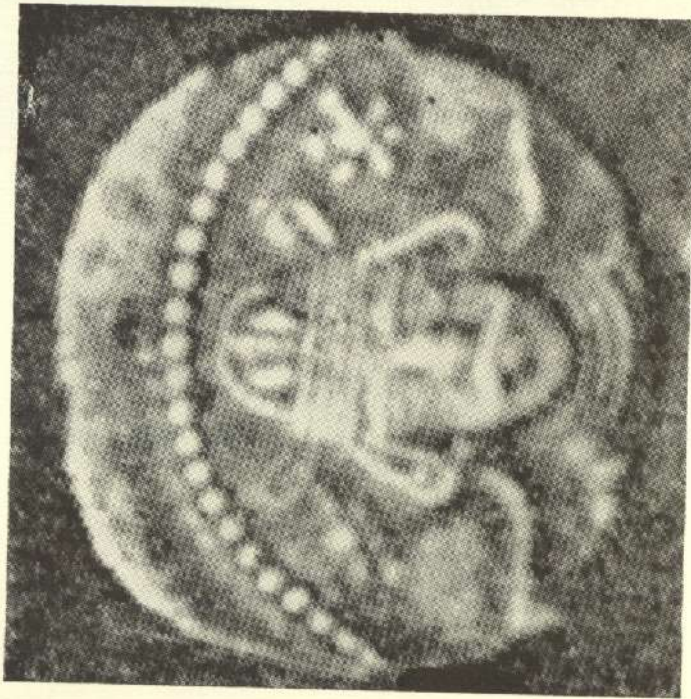
اردوان سوم - سکه نقره به وزن $\frac{3}{8}$ گرم تاریخ کشف $\frac{1323}{10/20}$
(موزه ایران باستان)



واردان اول - سکه نقره به وزن $\frac{3}{65}$ گرم تاریخ کشف $\frac{1338}{11/3}$
موزه ایران باستان



گودرز - سکه نقره شماره فیش ۲۸۷ تاریخ کشف ۱۳۲۴ ر ۱۳



وانان دوم (تصویر از کتاب پرسپولیس تالیف پروفسور اشمیت) موزه ایران باستان
Persepolis (I). Structures. Reliefs
Inscriptions. Erich F. Schmidt



بلاش اول

سکه نقره

شماره فیش ۲۹۰

تاریخ کشف ۱۳۳۴ر۴ر۱۳

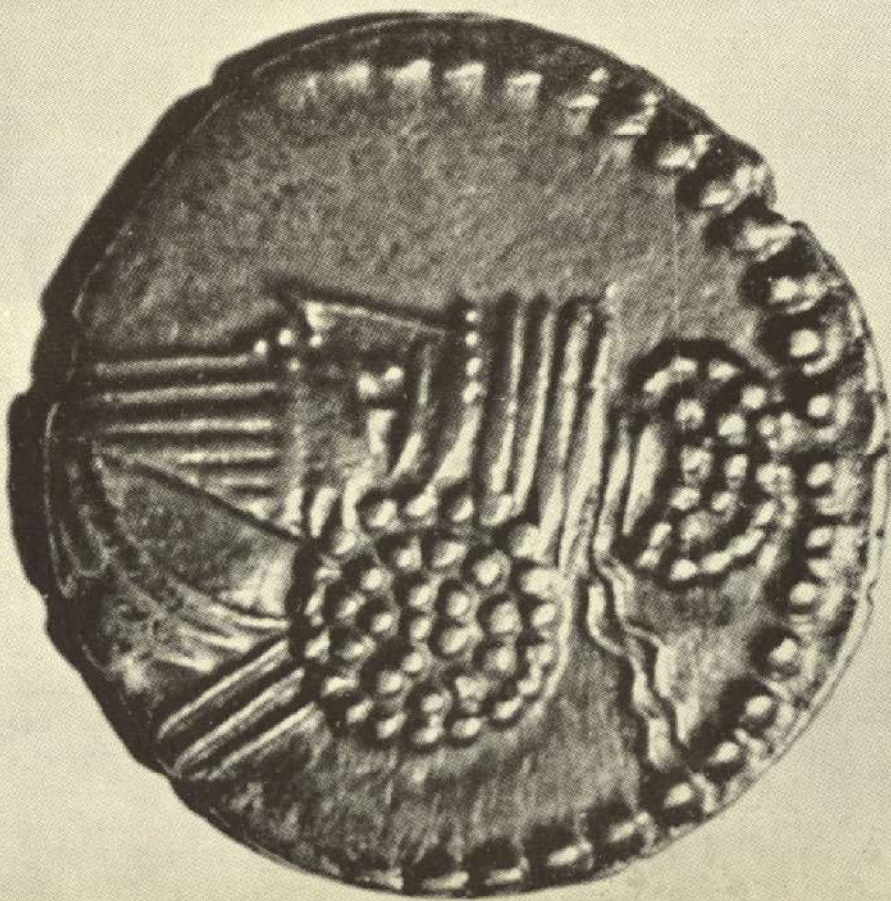
موزه ایران باستان



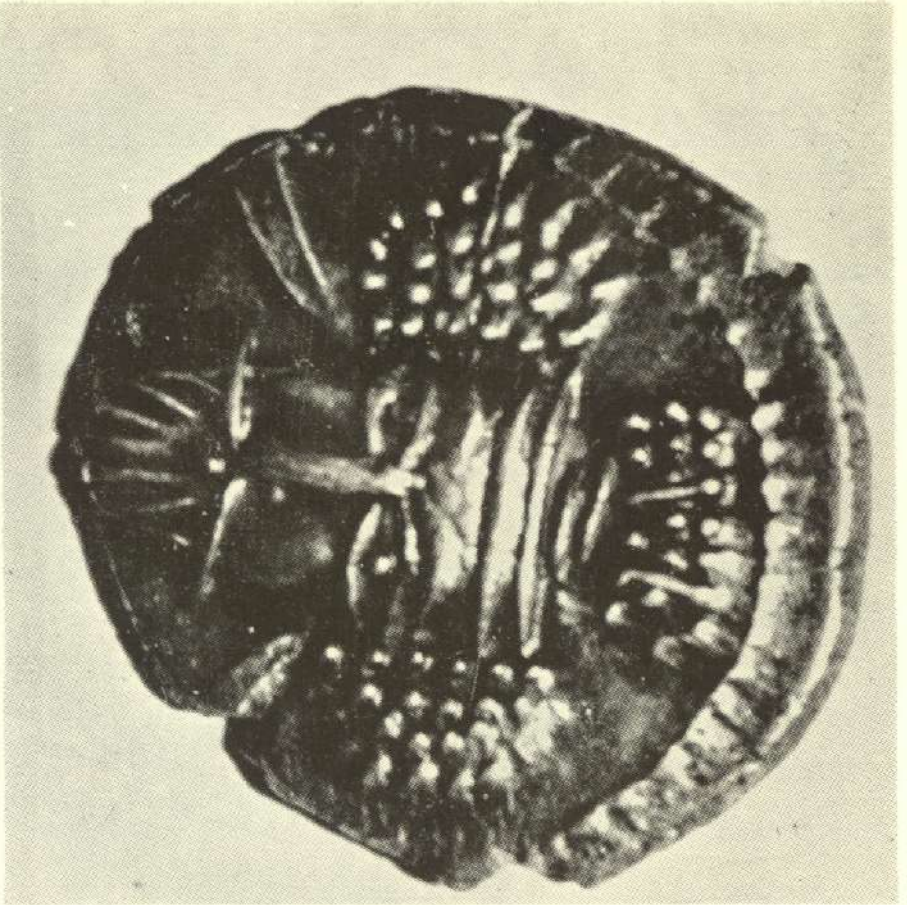
پاکور دوم
سکه نقره
وزن ۱۴۵ گرم
شماره فیش ۲۸۴
تاریخ کشف ۱۳۳۴ر۴ر۱۳
موزه ایران باستان



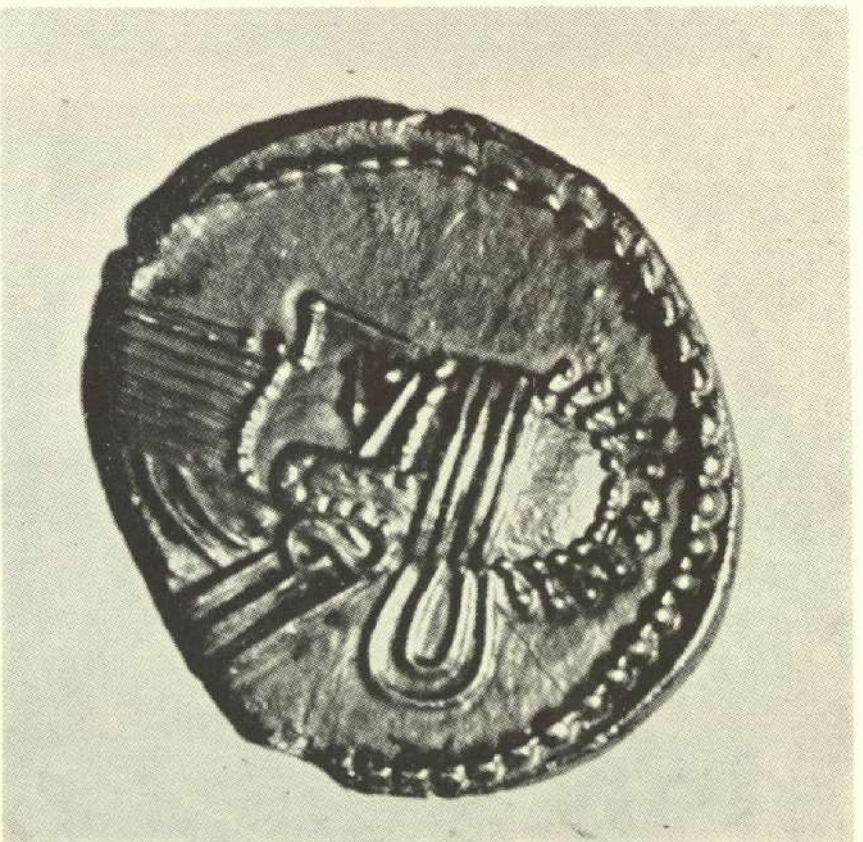
بلاش دوم - سکه نقره بوزن ۱۴٫۷۰ گرم شماره فیش ۲۹۱ -
تاریخ کشف ۱۳۳۴٫۱۲ موزه ایران باستان



خسرو اشکانی - سکه نقره بوزن ۲٫۵۵ گرم شماره فیش ۲۳۰ -
تاریخ کشف ۱۳۲۵٫۱۲ موزه ایران باستان



دلاش چهارم - سکه نقره بوزن ۳۵ گرم - شماره فیش ۲۰۹
موزه ایران باستان



دلاش سوم - سکه نقره بوزن ۱۳۵ گرم شماره فیش ۱۲۶
تاریخ کشف ۲۷، ۲۹، ۳۴، ۳۷ موزه ایران باستان



اردوان پنجم - سکه نقره - وزن ۳۵ گرم شماره فیش ۱۸۰ تاریخ
کشف ۱۳۱۸/۳۱ موزه ایران باستان



بلاش پنجم - سکه نقره شماره فیش ۱۰۸ تاریخ کشف
محل کشف اراک (موزه ایران باستان) ۱۳۳۴/۸/۱۵

شجره شاهنشاهان ساسانی (۲۲۴ - ۶۵۲ میلادی)

۱ اردشیر اول پسر بابک ساسانی

(۲۲۴ - ۲۴۱ میلادی)

۲ شاپور اول

(۲۲۴ - ۲۷۲ میلادی)

۷ نرسی
(۲۹۳ - ۳۰۱ میلادی)

۴ بهرام اول
(۲۷۳ - ۲۷۶ میلادی)

۳ هرمز اول
(۲۷۲ - ۲۷۳ میلادی)

۸ هرمز دوم
(۳۰۲ - ۳۱۰ میلادی)

۵ بهرام دوم
(۲۷۶ - ۲۹۳ میلادی)

۶ بهرام سوم
(مدت سلطنت ۴ ماه ۲۹۳)

۹ آذر نرسی

۳۱۰ میلادی سلطنت چند ماه

۱۱ اردشیر دوم
(۲۷۹ - ۲۸۳ میلادی)

۱۰ شاپور دوم (شاپور ذوالاکتاف)
(۳۱۰ - ۳۷۹ میلادی)

۱۳ بهرام چهارم
(۳۸۳ - ۳۹۹ میلادی)

۱۲ شاپور سوم
(۳۸۳ - ۳۸۸ میلادی)

۱۴ یزدگرد اول
(۳۹۹ - ۴۲۱ میلادی)

۱۵ بهرام پنجم (بهرام گور)
(۴۲۱ - ۴۳۹ میلادی)

۱۶ یزدگرد دوم
(۴۳۹ - ۴۵۷ میلادی)

۱۹ بلاش
(۴۸۴ - ۴۸۸ میلادی)

۱۸ فیروز
(۴۸۴ - ۴۵۹ میلادی)

۱۷ هرمز سوم
(۴۵۷ - ۴۵۹ میلادی)

۲۰ قباد
(۴۸۴ - ۵۳۱ میلادی)

۲۱ خسرو اول انوشیروان
(۵۳۱ - ۵۷۹ میلادی)

۲۲ هرمز چهارم
(۵۷۹ - ۵۹۰ میلادی)

۲۳ خسرو دوم (خسرو پرویز)
(۵۹۰ - ۶۲۸ میلادی)

۳۱ آذرمیدخت
۸-۶۳۱ ماه

۲۹ پوراندهخت
۶۳۰ - ۶۳۱

۲۸ جوانشیر
۶۳۰-یکسال

۲۴ قباد دوم شیرویه
(۶۲۸ - ۶۲۹ میلادی)

۳۳ خسرو چهارم
مدت کوتاه ۶۳۲ ؟

۳۰ گشتاسب برده
۶۳۱-۶۳۲

۳۲ هرمز پنجم
چند ماه ۶۳۱-۶۳۲

۲۷ خسرو سوم
چند ماه ۶۲۹-۶۳۲

۲۵ اردشیر سوم
چند ماه ۶۲۹-۶۳۲

۳۶ یزدگرد سوم
۶۳۲-۶۵۲

۳۵ خسرو پنجم
۶-۶۳۲ ماه

۳۴ فیروز دوم
مدت کوتاه ۶۳۲-۶۳۳

۹
شهر براز ۶۳۲-مدت کوتاه



اردشیر اول (بابکان)

سکه نقره

وزن ۳٫۸ گرم

شماره فیش ۱۱۵

موزه ایران باستان



نقش برجسته شاپور اول در نقش رستم



شاپور اول
سکه طلا
به وزن ۴۱ گرم
شماره فیش ۲۱۵
تاریخ کشف ۱۳۲۴ر۹ر۲۷
(موزه ایران باستان)



هرمز اول
سکه نقره
به وزن ۳٫۶ گرم
شماره فیش ۴۷۰
کاشف دکتر اشمیت
محل کشف تخت جمشید

(موزه ایران باستان)



بهرام اول
سکه نقره
وزن ۴ گرم
شماره فیش ۱۲۷
تاریخ کشف ۱۳۱۹ر۲۱۸
موزه ایران باستان



بهرام دوم باملکه و ولیعهد

سکه نقره

وزن ۴ گرم

شماره فیش ۱۲۸

تاریخ کشف ۱۳۲۴ و ۲۵

موزه ایران باستان



بهرام سوم - تصویر از مجله بررسیهای تاریخی سال ۵ شماره ۱
ذیل مقاله خانم دکتر ملکزاده بیانی



نرسی
سکه نقره
وزن ۳٫۸ گرم
شماره فیش ۱۳۲
از موزه کاخ گلستان به موزه ایران باستان تحویل
شده است



هرمز دوم
سکه نقره
وزن ۴٫۲ گرم
شماره فیش ۲۳۲
تاریخ کشف ۱۰۲۷/۱۳۲۴
موزه ایران باستان



شاپور دوم
سکه نقره
وزن ۳٫۵ گرم
شماره فیش ۲۴۳
تاریخ کشف ۱۳۲۷
محل کشف شوش
موزه ایران باستان



سر مجسمه نقره‌ای شاپور دوم از شاهکارهای سده چهارم میلادی ایران که
زینت بخش موزه متروپلیتن امریکا می باشد



اودشم دوم - درم اسم اعطای حلقه سلطنت در حضور اهورمزدا (طاق بستان)



بهرام چهارم سکه نقره بوزن ۴٫۲ گرم شماره فیش ۱۳۴ از موزه گلستان به موزه ایران باستان تحویل شده است.



شاپور سوم - سکه نقره بوزن ۴٫۸۰ گرم شماره فیش ۱۳۳ این سکه از موزه گلستان به موزه ایران باستان تحویل شده است.



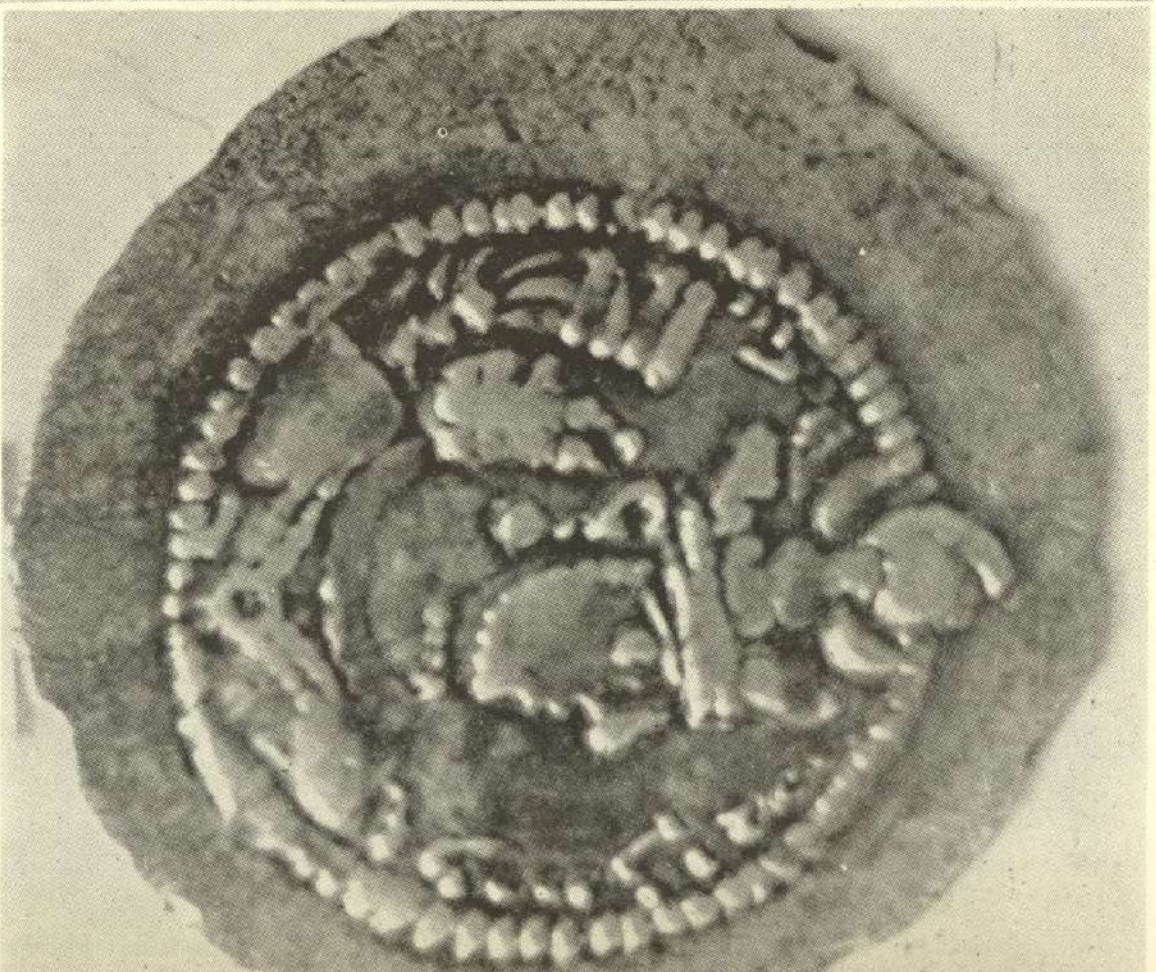
تاریخ ۲۰۱
 بگرام پنجم - سکه نقره بوزن ۳٫۹ گرم شماره فیش
 کشف ۱۳۲۲هـ (موزه ایران باستان)



تاریخ ۱۳۵
 یزدگرد اول - سکه نقره بوزن ۵٫۵ گرم شماره فیش
 کشف ۱۳۲۵هـ (موزه ایران باستان)



پیروز اول - سکه نقره بوزن ۵ گرم شماره فیش ۱۳۷ - از گمرک تهران
به موزه ایران باستان تحویل شده است



یزدگرد دوم - سکه نقره بوزن ۵ گرم شماره فیش ۱۲۴ محل
کشف شمرش (موزه ایران باستان)



قباد اول - سکه نقره بوزن ۴ گرم شماره فیش ۵۹۶ تاریخ کشف ۱۳۲۲ر۲۳۱ (موزه ایران باستان)



بلاش اول ساسانی - سکه نقره بوزن ۱٫۳۱ گرم شماره فیش ۲۰۰ (موزه ایران باستان)



هرمز چهارم - سکه نقره به وزن ۵٫۴ گرم شماره پیش ۵۹۳ تاریخ کشف ۱۳۳۸/۱۱/۱۴ (موزه ایران باستان)



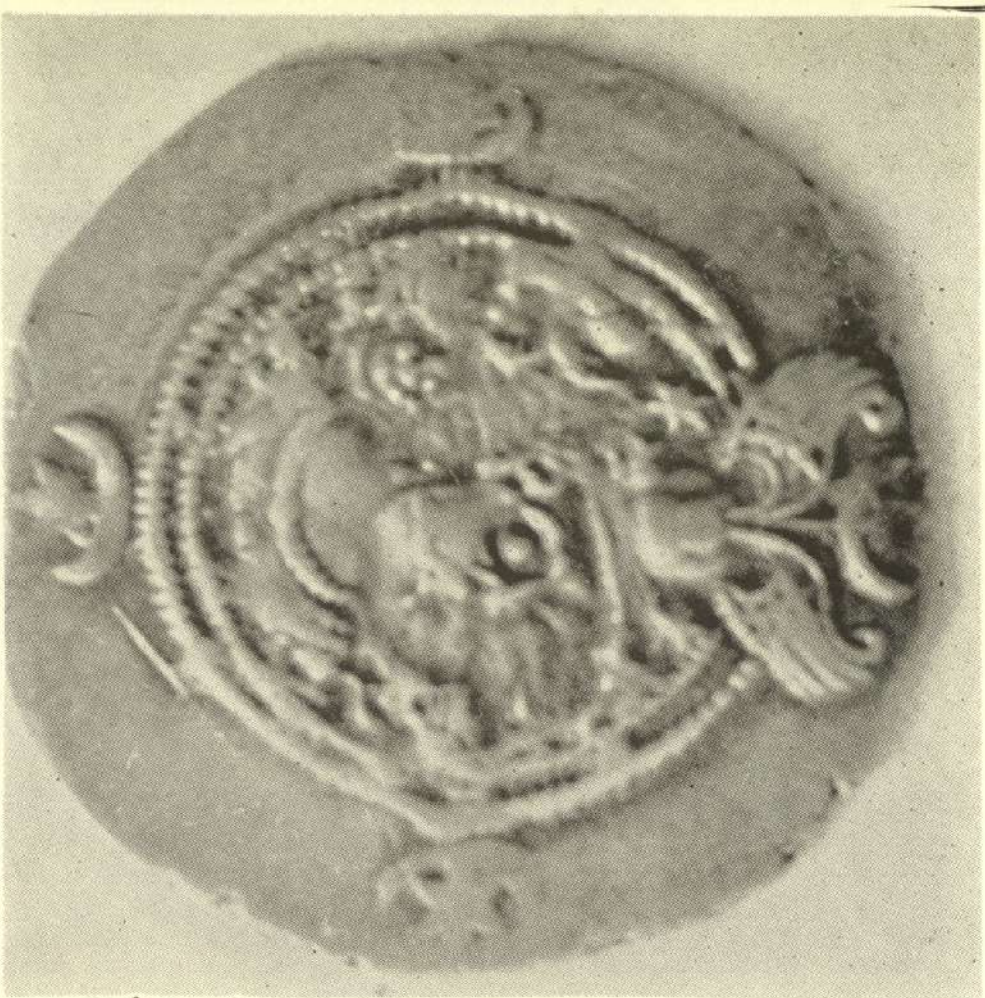
خسرو اول (انوشیروان) سکه نقره بوزن ۹٫۳ گرم شماره پیش ۱۴۱ تاریخ کشف ۱۳۱۹ (موزه ایران باستان)



۳ قباد دوم (شیرویه) سکه نقره به وزن ۴ گرم شماره فیش
(موزه ایران باستان)



خسرو دوم (خسرو پرویز) سکه نقره به وزن ۴ گرم شماره فیش
۲۳۵ تاریخ کشف ۱۳۲۶هـ (موزه ایران باستان)



۱۴۵ خسرو سیرم — سکه نقره به وزن اریح گرم شماره فیش

(موزه ایران باستان)



۱۴۴ اردشیر سیرم — سکه نقره به وزن ۵ گرم شماره فیش

(موزه ایران باستان)



هرمز پنجم - سکه نقره بوزن ۲۸۸ گرم شماره فیش ۱۴۷ محل کشف شوش (موزه ایران باستان)



پوراندهخت - سکه نقره بوزن ۱۴۴ گرم شماره فیش ۶۰۸ تاریخ کشف ۱۳۳۸ از کاشمر (موزه ایران باستان)



خسرو پنجم - سکه نقره بوزن ۲۵ گرم شماره فیش ۱۵۰ محل
کشف شوش (موزه ایران باستان)



یزدگرد سوم - سکه نقره بوزن ۴۶ گرم شماره فیش ۱۴۸ محل
کشف شوش (موزه ایران باستان)